

# حل اختلافات قراردادی



دکتر سیدمر ترضی قاسم‌زاده

عضو هیأت علمی دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

## ۱- طرح مطلب و تقسیم موضوع

شک نیست که قرارداد باید اجرا شود و متعهد نمی‌تواند از اجرای تعهدات ناشی از قرارداد (تعهدات اصلی و شروط) خودداری نماید ولی نخست باید مفاد قرارداد و حدود آن معلوم شود. گاهی خواست مشترک دو طرف به صورت قرارداد کتبی (رسمی یا عادی) در می‌آید و گاه نیز آنان به بستن قرارداد لفظی، بدون اینکه نوشته‌ای در میان باشد، اکتفا می‌کنند. در تجارت، اشخاص به طور معمول با مکاتبه و تنظیم دفاتر تجاری (ماده ۷ ق.ت و ماده ۱۲۰۷ به بعد ق.م.) روابط حقوقی خود را تنظیم می‌کنند.

نه تنها در قراردادهای غیرکتبی اختلاف فراوان بروز می‌کند بلکه در مواردی که قصد مشترک

دو طرف به صورت نوشته در می‌آید، اختلافات زیادی پدید می‌آید.

بیشتر اختلافات در این است که قصد مشترک طرفین چیست و آنان چه خواسته‌اند. گرچه انتظار معقول از متن قرارداد این است که خواسته طرفین به روشنی در آن بیان شده باشد ولی عوامل متعددی موجب اجمال، نقص و نارسایی قرارداد می‌شود. گاه مطلبی که در قرارداد آمده است، مورد انکار یک طرف قرار می‌گیرد و این بدان جهت است که تنظیم‌کنندگان قرارداد اغلب اطلاع کافی از مقررات حقوقی ندارند<sup>(۱)</sup> و از عبارات والفاظ نامناسبی استفاده می‌کنند؛ یا، در برخی از موارد، طرفین به ذکر کلیات اکتفا می‌کنند و به عمد به سود خود مصلحت‌اندیشی می‌کنند و قسمتی از خواسته‌های مشترک را در قرارداد نمی‌آورند. بعلاوه چه بسا تعهدات ناشی از قراردادها صریح نیست، بلکه در کنار تعهدهای صریح، پاره‌ای تعهدهای ضمنی وجود دارد که طرفین به آنها ملتزم می‌شوند (ماده ۲۲۰، ۲۲۵، ۲۸۰، ۳۴۴، ۳۷۵، ۳۸۱، ۳۸۲، ۶۷۶ و ...) و انگهی قانونگذار نیز اشخاص را به لوازم قانونی و عرفی قرارداد، همانند توافقه‌های صریح، ملتزم قرار داده، و حتی جهل آنان را نیز در این مقام مؤثر ندانسته است. (ماده ۳۵۶ ق.م.).

بنابراین مطالب این مقاله در دو گفتار به ترتیب تعیین مفاد قرارداد و اراده‌مشترک دو طرف (گفتار یکم) و لوازم قانونی و عرفی قرارداد (گفتار دوم) تنظیم و آرایه می‌گردد.

## گفتار یکم - تعیین مفاد قرارداد

### ۲- لزوم تفسیر<sup>(۲)</sup>

تا زمانی که دو طرف در مفاد قرارداد و دامنه شمول آن اختلاف پیدا نکرده‌اند، تفسیر قرارداد لازم نیست.<sup>(۳)</sup> اما با پیدایش اختلاف، هر قراردادی، هرچند دقیق و فنی باشد، نیاز به تفسیر دارد. عوامل

۱- به عنوان مثال می‌توان به قراردادهایی که به وسیله متصدیان بنگاه‌های معاملات ملوک و خودرو بسته می‌شوند اشاره کرد، این قراردادها گرچه اغلب در نسخه‌های چاپی و مرسوم تنظیم می‌شوند، با وجود این، به دلیل ناآگاهی این گونه متصدیان و نداشتن حداقل اطلاعات ادبی و حقوقی لازم برای تنظیم قرارداد، موجب بروز اختلافات گوناگونی می‌شوند.

2- Interpretation و Construction

برای دیدن تفاوت این دو واژه ر.ک. : W e s t Arthur Linton Corbin, Corbin on contracts, One Volume Edition, Publishing Co, 1952, No. 534, P.491-495.

۳- باید توجه کرد که منظور از تفسیر، تفسیر عقده‌ای است که بطور صحیح منعقد شده‌اند چه هرگاه قرارداد باطل باشد یا در وقوع شک و تردید شود، اثری بر آن مترتب نمی‌شود و عقد فاسد اثری در تملک ندارد (ماده ۳۶۵ ق.م.). در صورت

متعددی موجب پدید آمدن اختلاف می‌شود و ضرورت تفسیر را توجیه می‌کند. این عوامل عبارتند از: عدم ثبت وضبط توافقی‌ها، صریح نبودن (ابهام) متن قرارداد و تعارض عبارات. توضیح آنکه بسیاری از قراردادها به وسیله اشخاص غیرمتخصص تنظیم می‌شوند و آنان قادر به تنظیم درست قرارداد و ثبت وضبط تمام توافقی‌های طرفین نیستند. نویسندگان قرارداد هر قدر به اصول وقواعد و شیوه نگارش قرارداد آگاهتر باشد، به همان قدر در نوشتن قصد مشترک دو طرف دقت به عمل می‌آورد و در نتیجه اختلاف کمتری پدید می‌آید. اما چون در عمل اغلب کسانی که اطلاعات کم و ناقصی دارند، به تنظیم قرارداد می‌پردازند، با تنظیم قراردادهای نارسا و معیوب و متناقض به بروز اختلافات دامن می‌زنند. صرف نظر از قراردادهای شفاهی که نارسایی‌ها و اختلاف‌های ناشی از آن بر همگان روشن است، قراردادهای کتبی غیررسمی درصد بالایی از مشکلات و اختلافها را به خود اختصاص می‌دهند. نمونه بارز این‌گونه قراردادها قولنامه‌ها یا بیع‌نامه‌هایی است که به وسیله بنگاههای معاملاتی تنظیم می‌شوند.

ناگفته نماند اسناد رسمی نیز با اینکه به وسیله کارشناسان تنظیم می‌شوند، از ابهام و نارسایی و احیاناً تناقض مصون نیستند و چه بسا نیاز به تفسیر دارند حتی گاهی دقیق‌ترین و فنی‌ترین قراردادها که به وسیله کارشناسان حقوقی تنظیم می‌شوند در مقام اختلاف، به تفسیر نیاز دارند، چه حقوقدانان و استادان برجسته نیز نمی‌توانند همه اختلافهای احتمالی آینده را پیش‌بینی کنند و با اندیشیدن و درج تمهیداتی در قرارداد، از وقوع آنها جلوگیری نمایند، چنانکه قانونگذار نیز با همه درایت و تدبیر و تخصص نمی‌تواند آن چنان قانونی وضع کند که نیاز به تفسیر نداشته باشد. اینک که لزوم تفسیر و نیاز به آن روشن شد، به اختصار از دو شیوه متداول تفسیر (بند یکم) و قواعد کلی تفسیر قرارداد (بند دوم) سخن می‌گوییم.

ادامه از صفحه قبل

اول به قرارداد باطل ترتیب اثر نمی‌دهند و در صورت اخیر با اعمال اصل عدم از مدعی وجود و انعقاد قرارداد دلیل می‌خواهند و او باید قرارداد را ثابت نماید. هرگاه در صحت قرارداد موجود تردید شود، اصل صحت را جاری و از مدعی بطلان دلیل می‌طلبند، ماده ۲۲۳ ق.م. در این باره مقرر می‌دارد: "هر معامله که واقع شده باشد محمول بر صحت است مگر اینکه فساد آن معلوم شود".

## بند اول - دو شیوه متداول در تفسیر

### ۳- احراز اراده طرفین

در تفسیر قرارداد معمولاً قصد مشترک طرفین به هنگام بستن قرارداد جستجو می‌شود.<sup>(۴)</sup> و قاضی به دنبال احراز آن چیزی است که دو طرف خواسته‌اند (اصل حاکمیت اراده). برای نیل به این هدف دو شیوه موجود است:

۱- کشف اراده باطنی و ترجیح آن بر اراده ظاهری<sup>(۵)</sup> ۲- احراز اراده ظاهری با توجه به معنی متعارف الفاظ و اعمال و برتری دادن آن بر اراده باطنی.

قانونگذار ایران به صراحت هیچ‌یک از این دو شیوه را انتخاب نکرده است اما می‌توان گفت در حقوق ایران، به پیروی از نظر گروهی از فقهای امامیه،<sup>(۶)</sup> نظریه اراده باطنی پذیرفته شده و قصد درونی عنصر اصلی و سازنده قرارداد را تشکیل می‌دهد (ماده ۱۹۱ ق.م.). لیکن چون دسترسی به اراده باطنی، جز از راه وسیله‌های ابراز آن، امکان پذیر نیست، قاضی باید به تفسیر الفاظ و عبارات و اعمالی بیندیشد که دو طرف آنها را بکار گرفته‌اند و با تفسیر معقول و منطقی قصد مشترک آنان را احراز کند. اصل این است که طرفین همان چیزی را خواسته‌اند که از عبارات یا اعمال آنان به طور متعارف بر می‌آید، زیرا شخص متعارف و معقول چنین می‌کند، مگر اینکه خلاف آن ثابت شود. دادرسی نیز ابتدا به تجزیه و تحلیل عبارات و الفاظ قرارداد می‌پردازد و به مفهوم عرفی و ظاهری آنها توجه می‌کند؛ هرگاه از این راه نتوانست به قصد مشترک طرفین دست بیابد به جستجو درباره اراده باطنی آنان می‌پردازد<sup>(۷)</sup>. به هر حال، چنانکه گفتیم، در حقوق ایران عقد تابع اراده باطنی است و اراده ظاهری تا آنجا ارزش دارد که کاشف از اراده باطنی باشد (مستنبط از ماده ۴۶۳ و ۱۹۱ به بعد ق.م.). و صوری (غیرواقعی) یا خلاف آن نباشد. بدیهی است عقد صوری نیز باطل و بلااثر است (ماده ۱۹۵ و ۲۱۸ اصلاحی ق.م.).

۴- العقود تابعة للقصد، برای مطالعه بیشتر در مورد این قاعده ر.ک: عبدالفتاح علی المرغی الحسینی (معروف به میرفتاح)، عناوین، چاپ سنگی، ۱۲۹۷ هـ.ق، عنوان ۳۰، ص ۱۹۰ به بعد؛ المولی احمد الترائقی، عواید الایام، قم، مکتبه بصیرتی، ۱۴۰۸ هـ.ق، ص ۵۲ به بعد؛ السید میرزا حسن الموسوی الجنوردی، القواعد الفقهیه، ج ۳، ص ۱۱۶ به بعد.

۵- باید توجه داشت که اراده یکی بیش نیست و آن هم اراده باطنی است و اراده ظاهری، در واقع، چیزی جز اعلام اراده باطنی نیست. بنابراین تقسیم متداول اراده به اراده باطنی و ظاهری، از این حیث قابل ایراد است.

۶- در فقه امامیه نیز به قاعده مشهور (العقود تابعة للقصد) و روایاتی مانند (انما الاعمال بالنیات) استناد شده است و در نتیجه هرگاه طرف قرارداد الفاظی را به زبان بیاورد که با قصد درونی وی منطبق نباشد، قرارداد منعقد نمی‌شود و باطل است؛ شیخ مرتضی انصاری، کتاب المکاسب، تبریز، ۱۳۷۵ هـ.ق، ص ۱۱۷؛ میرفتاح، همان.

۷- عبدالمجید الحکیم، شرح القانون المدنی، ج ۱: ش ۶۰۹، ص ۳۳۱.

## بند دوم - قواعد کلی تفسیر قرارداد

### ۴- مقدمه

قانون مدنی ایران درباره کیفیت و راههای آن نص خاصی ندارد ولی با استفاده از اصول و قواعد کلی و پاره‌ای ضوابط پراکنده و مندرج در برخی از مقررات و اسنفاده از مبانی فقهی و شیوه‌های متداول در سایر کشورها<sup>(۸)</sup> می‌توان معیارهای ذیل را برای تفسیر قرارداد ارائه داد.

### ۵- توجه به اراده واقعی (باطنی)<sup>(۹)</sup>

در تفسیر قرارداد، نخست باید به الفاظ قرارداد به عنوان کاشف اراده توجه کرد، چه فرض بر این است که طرفین اراده واقعی و قصد مشترک خویش را در قالب الفاظ و عبارتها ریخته‌اند. هرگاه معلوم شود که اراده واقعی طرفین غیر از آن است که در قرارداد آمده است، یا ثابت شود که عقد صوری است، نباید به آن توجه کرد، بلکه مطابق اراده واقعی حکم مسأله تعیین می‌شود و قرارداد صوری محکوم به بطلان است (مستنبط از مواری ۱۹۱، ۱۹۵، ۲۱۸ اصلاحی ق.م.).

در قراردادهایی که شروط چاپی و از پیش تعیین شده دارند، ممکن است طرفین بدون توجه به برخی از این شروط یا بر خلاف آنها تراضی نمایند، در این صورت، گرچه به ظاهر تمام مندرجات قرارداد، از جمله شروط چاپی، موضوع قصد مشترک طرفین قرار می‌گیرد و جزء مفاد قرارداد بشمار می‌رود، اما در تفسیر قرارداد، در صورتی که بین دو گروه شروط چاپی از یک سو و توافق‌های جدید دست‌نوشته (خطی) از سوی دیگر تعارضی باشد، باید توافق‌های اخیر را بر شروط چاپی و مرسوم برتری داد و مقدم دانست.

در قراردادهای الحاقی و اعمال حقوقی یک طرفه که یک طرف مبتکر آن است و دیگری نقشی جز پیوستن و الحاق بدان ندارد، باید به دنبال اراده واقعی و باطنی همان طرف بود و در میان کلمات و عبارتهای سند قصد وی را جستجو کرد نه اراده طرف قبول و کسی که به آن می‌پیوندد و نقشی جز پذیرفتن ندارد.

۸- در حقوق موضوعه برخی از کشورها، قواعد و شیوه‌های تفسیر را در قانون آورده‌اند مثلاً (مواد ۱۵۵، ۱۵۰ قانون مدنی مصر) و مواد ۱۵۵ تا ۱۶۷ قانون مدنی عراق درباره شیوه‌های تفسیر قرارداد است، عبدالرزاق احمد السنهوری، الوسیط فی شرح القانون المدنی، ج ۱، ش ۳۶۸، ص ۵۹۱ تا ۵۹۳، عبدالمجید الحکیم، همان، ش ۶۱۰، ص ۳۳۲.

۹- ماده ۳ المجله می‌گوید: "العبرة فی العقود للمقاصد والمعانی لا للالفاظ والمعانی...".

۶- توجه به مجموعه قرارداد و پرهیز از تفسیری که به حذف بخشی از قرارداد می‌انجامد.

الفاظ و عبارتهای قرارداد، وسیله ابراز اراده و طرف هستند و در قراردادهای مهم آنان اغلب خواسته‌های مشترک خویش را به شکل نوشته (عادی یا رسمی) در می‌آورند بنابراین باید به قرارداد به عنوان مجموعه واحد نگریست که یک جا مورد توافق طرفین قرار گرفته است و هر جزئی از این مجموعه، اگرچه صورت شرط به خود گرفته باشد، به ظاهر و به حکم غلبه موضوع قصد مشترک دو طرف واقع شده است و قاضی باید در تفسیر قرارداد به مجموع عبارات آن به عنوان یک واحد مستقل و مرتبط نگاه کند<sup>(۱۰)</sup> و تا آنجا که ممکن است از حذف قسمتی از قرارداد و مهمل گذاردن آن خودداری نماید.<sup>(۱۱)</sup> بنابراین اگر عبارت دو معنی داشته باشد که بر طبق یکی از آنها قرارداد فاقد اثر یا دارای اثر ناچیزی شود، باید آن را به معنی دیگر حمل کرد.<sup>(۱۲)</sup> در مثل، اگر شخصی قرارداد بیمه عمر به نفع اولادش منعقد کرده باشد و اولاد بلافضل نداشته ولی نوه‌هایی داشته باشد، باید کلمه اولاد را به گونه‌ای تفسیر کرد که شامل نوه‌های بیمه‌گذار شود.

از آنجا که قرارداد مجموعه واحدی به شمار می‌آید، در تفسیر آن علاوه بر شروط صریح باید به شروط ضمنی و شروطی که قرارداد بر پایه آنها بنا شده، ولی در متن قرارداد به طور آشکار ذکر نشده‌اند (شروط بنایی) نیز توجه کرد. قرارداد مجموعه‌ای مرکب از عناصر اصلی و فرعی و به دیگر سخن تعهدهای اصلی و تعهدهای فرعی، اعم از شروط صریح، ضمنی و بنایی است. این عناصر و تعهدات، واحد مستقل و مجموعه مرتبطی را تشکیل می‌دهند که موضوع قصد مشترک طرفین قرار گرفته است و در تفسیر قرارداد باید همه این عناصر را مورد توجه قرار داد. اما از نظر اثباتی طرفی که مدعی وجود شرطی، بیش از آنچه در متن قرارداد آمده است، می‌باشد باید آن را اثبات کند و سکوت طرفین بدون قرینه نشانه رضا محسوب نمی‌شود.<sup>(۱۳)</sup>

۱۰- «در تشخیص مقصود نباید فقط اقتضای ظاهر بعضی الفاظ نمود بلکه مجموع تعبیّرات و قرائن موجوده و جهانی را که در فهم مراد مدخلیت دارد در نظر گرفت»، رای ۱۶۱۵-۷۴۷۱ مورخ ۱۳۱۰ هیات عمومی دیوان عالی کشور، محمد بروجردی (عبده)، اصول قضایی (حقوقی) دیوان عالی تمیز، تهران، مطبعه ایران، ص ۱۱۵.

۱۱- اعمال الکلام اولی من اهماله (ماده ۶۰ المجله)؛

۱۲- برخی از فقها در این باره گفته‌اند: «... الاصل صیانة کلام المکلف (کلام العاقد) عن اللغو...»، علی بن الحسین الکرکی (محقق ثانی)، جامع المقاصد فی شرح القواعد، ج ۱۰، بیروت، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، ۴۱۱ هـ.ق، ص ۷۱.

۱۳- برای مطالعه بیشتر، ر.ک: دکرسید مرتضی قاسم‌زاده، نقش سکوت در بیان اراده، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، نشریه دانشکده علوم قضائی و خدمات اداری، سال اول، ش ۴، زمستان ۷۵، ص ۱۹-۱.

## ۷- حمل لفظ بر معنی عرفی

هرگاه در معنی عبارات قرارداد اختلاف پدید آید و هر طرف برای آن معنایی قایل شود، قاضی معنی عرفی قرارداد را بر معناهای دیگر ترجیح می‌دهد و از کسی که مدعی خلاف این ظاهر عرفی است دلیل می‌خواهد. ماده ۲۲۴ ق.م. که به این قاعده تفسیری اختصاص دارد می‌گوید: «الفاظ عقود محمول است بر معنای عرفیه»<sup>(۱۴)</sup> قابل ذکر است که این قاعده بانفوذ اراده‌باطنی منافات ندارد زیرا فرض می‌شود که طرفین معنی متعارف را خواسته‌اند و در واقع معنی متعارف کاشف از اراده‌درونی به شمار می‌رود، مگر این که اثبات شود که طرفین معنی دیگری را اراده کرده‌اند و در این صورت همین معنی ملاک عمل خواهد بود.<sup>(۱۵)</sup>

## ۸- حمل لفظ بر معنی حقیقی<sup>(۱۶)</sup>

مطابق معیار پذیرفته شده در علم اصول، الفاظ را باید بر معنای حقیقی آنها حمل نمود.<sup>(۱۷)</sup> هرگاه لفظی دارای دو معنی حقیقی و مجازی باشد باید آن را بر معنی حقیقی حمل نمود، مگر اینکه قرینه‌ای بر اداده معنی مجازی در متن قرارداد موجود باشد. زیرا عقلاً بدون دلیل و بدون قرینه از معنی حقیقی منصرف نمی‌شوند و شیوه متداول را در گفته‌ها و نوشته‌های خویش بکار می‌برند. در صورت فقد هرگونه قرینه، باید عبارات را بر معنای عرفی حمل نمود. (ماده ۲۲۴ ق.م.)

۱۴- این ضابطه در المجله نیز دیده می‌شود و چندین ماده از این قانون به این مسأله مربوط می‌شود مانند العادة محكمة؛ المعروف عرفاً كالمشروط شرطاً، التعمین بالعرف كالتعمین بالنص، المعروف بين التجار كالمشروط بينهم، استعمال الناس حجة يجب العمل بها و... ر.ک: عبدالمجید الحکیم، پیشین، ش ۶۱۳، ص ۳۳۳، برای دیدن شرح این مواد ر.ک: «محمدحسین آل کاشف الغطاء، تحریرالمجلة؛ علی حیدر، درالحکام؛ سلیم رستم باز، شرح المجله، ذیل مواد مذکور.

۱۵- عبدالرزاق السنهوری، الوسیط، ج ۱، ش ۳۹۳، ص ۶۰۴ و ۶۰۵.

۱۶- حقیقت و (مجاز) صفت لفظ است. «حقیقت لفظی است که در ما وضع له بکار رفته باشد و مجاز لفظی است که در غیر ما وضع له بکار رفته باشد، میرزای قمی، قوانین الاصول، چاپ عبدالرحیم، ص ۱۳، نقل از دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۵، ش ۳۶، ص ۲۶.» بنابراین معنی حقیقی معنایی است که لفظ برای آن وضع شده است در مثل هرگاه لفظ مرد که برای جنس مذکر وضع شده، (و برای این جنس حقیقت است و برای جنس مخالف مجاز) در همین معنی بکار رود و در معنی حقیقی خود استعمال شده است. دانشمندان علم اصول، تصریح واضح، تبادل، عدم صحت سلب و اطراد (کثرت استعمال لفظ در معنایی) را از علامت‌های حقیقت می‌دانند، برای مطالعه بیشتر ر.ک: همان ص ۲۶ و ۲۷.

۱۷- اذا تعذرت الحقیقه یصار الی المجاز (ماده ۶۱ المجله)؛ گاه از این اصل با تعبیر اصل عدم قرینه یاد می‌شود و اگر در عام بکار رود اصالة العموم و اصل عدم تخصیص نامیده می‌شود، محمدالحسین آل کاشف الغطاء، تحریرالمجلة، ج ۱، نجف، ۱۳۵۹ هـ.ق، ص ۲۰، شرح ماده ۱۲ المجله؛ و نیز ر.ک: ص ۴۲ شرح ماده ۶۰ و ۶۱.

## ۹- رفع تعارض‌های ظاهری

در تفسیر باید، تا جایی که امکان دارد، اراده‌مشترک و تراضی دو طرف را جستجو کرد. بدین منظور تعارض‌های ظاهری را باید زدود و قصد واقعی را آشکار کرد زیرا انسان معقول و متعارف وقتی که طرف قرارداد واقع می‌شود، تناقض گویی نمی‌کند و خواسته معقولی دارد پس باید مقصود او را از یک قرارداد به ظاهر متعارض استخراج کرد.

بدین منظور عبارتهای خاص بر عام، مقید بر مطلق، مبین بر مجمل، دست‌نویس بر چاپی (۱۸) و کلمه‌ها و الفاظ که به صورت نوشته در آمده‌اند بر تصویرها که حالت کلی دارند و بطور کلی آخرین عبارت بر بقیه به عنوان اراده جدید طرف قرارداد مقدم است. قانونگذار ایران، اگرچه این ضوابط را به عنوان معیارهای کلی در جایی به صورت مدون گرد نیاورده است اما با استفاده از پاره‌ای احکام پراکنده و استناد به آنها و همچنین استفاده از نظر علمای صاحب نظر و استادان حقوق، می‌توان این معیارها را پذیرفت و به عنوان ابزار تفسیر اراده‌دو طرف بکار گرفت. مثلاً در تنظیم وصیت‌نامه، ظاهر این است که موصی با وصیت بعدی از وصیت نخست عدول کرده است. (۱۹)

## ۱۰- تفسیر به سود متعهد (۲۰)

گاه دو طرف، پس از انعقاد قرارداد، در وجود یا قلمرو تعهدی که متعهد بر عهده گرفته است اختلاف پیدا می‌کنند. صرف نظر از مواردی که طرفین به عمد پاره‌ای از تعهدات را ذکر نمی‌کنند یا ذکر آنها را فراموش می‌کنند، استفاده از الفاظ مجمل و مبهم نیز موجب بروز اختلاف می‌شود. یک طرف مدعی توافق در امری و وجود تعهدی است و طرف دیگر یا منکر آن است یا عقیده به وجود تعهد سبک‌تری دارد. یعنی در اصل تعهد یا قلمرو آن تردید و اختلاف وجود دارد. در این صورت اصل برائت ذمه متعهد است (ماده ۳۵۶ ق.آ.د.م) و متعهدله باید اشتغال ذمه او را ثابت کند. در تفسیر

18- William Mack, *Cropus Juris Secundom*, T. 17, U.S.A. , The American Law Book Co. , 1939. No 310, p. 728.

۱۹- امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲، مسأله ۳۶، ص ۱۰۱.

۲۰- در تفسیر قرارداد اولاً، باید قلمرو التزام و تعهد متعهد را تفسیر مضیق کرد. ثانیاً، متعهدله ملزم به اثبات تعهد است. ثالثاً: انجام تعهد به سود متعهدله است نه متعهد پس اگر او در ذکر این تعهد کوتاهی کند و به صورت مبهم یاد کند، تردید ایجاد می‌کند و این اشتباه خودش است پس باید تعهد را به سود متعهد تفسیر کرد. عبدالرزاق احمد السنهوری، الوسیط، ج ۱، ص ۳۹۸، ص ۶۱۴.



چنین قراردادها باید به قدر متیقن اکتفا کرد و اثبات تعهد بیشتر را از متعهدله مطالبه کرد.<sup>(۲۱)</sup>

## ۱۱- تفسیر قرارداد با خود آن

چنانکه گفتیم، قرارداد مجموعه واحدی است و این مجموعه موضوع قصد مشترک دو طرف قرار گرفته است پس نمی‌توان جزئی از آن را از بقیه اجزا تفکیک نمود بلکه باید آنرا در کنار سایر اجزاء عقد ملاحظه کرد زیرا فهم یک جزء قرارداد بدون توجه به اجزاء دیگر ممکن نیست. الفاظ و عبارتهای عام با الفاظ خاص تخصیص می‌خورند و مفاهیم مطلق با مفاهیم مقید، خواه پیش از آن باشند خواه بعد از آن، محدود می‌شوند. در تفسیر قرارداد، باید به طبیعت و ماهیت معامله و موضوع آن توجه کرد. هرگاه عبارتی چندین معنا داشته باشد، قاضی آن معنایی را که با طبع عقد سازگار است انتخاب می‌کند زیرا معقول و متعارف این است که متعاملین با پذیرفتن اصل قرارداد شرایط و مسائل فرعی را به مقرراتی که لازمه طبیعت عقد است واگذار کرده‌اند اما اگر در قسمتی از قرارداد به طور صریح و با عبارتهای روشن ابراز قصد کرده باشند، این عبارتها و الفاظ صریح مفسر عبارات مجمل و مبهم هستند. مثلاً هرگاه کسی کلیه لوازم منزل خویش را بفروشد و در قسمت دیگر قرارداد این لوازم را نام ببرد، عبارت اخیر خاص است که عموم عبارت عام را تخصیص می‌زند.<sup>(۲۲)</sup> همچنین هرگاه مبلغ مورد تعهد با اعداد و ارقام و با حروف، هر دو، نوشته شده باشد مبلغ با حروف معتبر است (ماده ۲۲۵ ق.ت.).

## گفتار دوم - لوازم قانونی و عرفی قرارداد

### ۱۲- تفسیر نوعی قرارداد

چنانکه گفتیم براساس نظریه تفسیر شخصی دادرس در جستجوی قصد مشترک طرفین است و عوامل درونی و شخصی را در شکل‌گیری قرارداد و تکوین آن مؤثر می‌دانند. به همین منظور و با استفاده از معیارهای مختلف تفسیری در شناسائی اراده باطنی دو طرف تلاش می‌کند. اما در نظریه

۲۱- صبحی محمضانی، فلسفه‌التشريع، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۳۸۰ هـ.ق، ص ۲۸۷، در حقوق تجارت ایران نیز قانونگذار به پیروی از این ضابطه مقرر داشته است: "... اگر مبلغ بیش از یک دفعه به تمام حروف نوشته شده و بین آنها اختلاف باشد مبلغ کمتر مناط اعتبار است ..." (ماده ۲۲۵ ق.ت.).

۲۲- همان مرجع، ش ۳۹۶، ص ۶۱۰ و ۶۱۱.

تفسیر نوعی به عوامل خارجی بیشتر اهمیت می‌دهند و نقش قانون، عرف و حسن نیت را برتر از قصد مشترک دو طرف می‌دانند چه اغلب هریک از طرفین قرارداد در هنگام انعقاد به سود خود می‌اندیشد و به منظور اخذ رضایت طرف مقابل جز موضوعات اصلی و مسائل مهم را مطرح نمی‌کند ولی پس از تراضی در موضوعات اصلی مدعی توافق ضمنی در سایر شرائط می‌شود و بدین سان سبب بروز اختلاف می‌گردد. بنابراین در صورتی که دو طرف موضوع اختلاف را پیش‌بینی و درباره آن توافق نکرده باشند، تلاش دادرس به منظور رسیدن به قصد مشترک دو طرف، بی‌فایده خواهد بود.<sup>(۲۳)</sup> او با در نظر گرفتن رفتار و معامله شخص متعارف آنچه را که خود عادلانه می‌بیند و موافق انصاف و حسن نیت تشخیص می‌دهد به بهانه اراده مفروض بر طرفین تحمیل می‌کند. وانگهی آزادی بدون قید و شرط طرفین قرارداد با دگرگون شدن شرایط اقتصاد سنتی و اقتدار روزافزون و قابل ملاحظه یک طرف و ناتوانی طرف دیگر، نمی‌تواند یک آزادی واقعی باشد و چه بسا صوری و فرضی است. از این رو به اعتقاد برخی از حقوقدانان باید برای رعایت مصالح جامعه و جلوگیری از سوءاستفاده سرمایه‌داران و سودجویان، برتری قانون، عرف و حسن نیت را بر قصد مشترک طرفین پذیرفت. نظام‌های فردگرا به نظریه نخست و نظام‌های جامعه‌گرا به نظریه اخیر تمایل دارند ولی هر دو اغراق کرده و به خطا رفته‌اند. هم آزادی اراده (اصل حاکمیت اراده) و توجه به اراده باطنی لازم است ولی باید از صافی نظم عمومی و اخلاق حسنه بگذرد و هم قرارداد یک موجود اجتماعی است که در جامعه شکل می‌گیرد و به قاضی حق می‌دهد که اجمال، ابهام و نقص آن را با توسل به عرف و عادت و قواعد تکمیلی و احياناً انصاف و حسن نیت که معیارهای نوعی هستند، برطرف کند.

### ۱۳- تکمیل قرارداد به وسیله مقررات قانونی و عرفی

در صورتی که قرارداد از هر جهت صریح باشد و تمامی موارد و موضوعاتی که ممکن است در آینده تولید اختلاف کنند در متن قرارداد آمده باشد، نیازی به تفسیر یا تکمیل آن پیدا نمی‌شود ولی از آنجا که دو طرف الزامی به پیش‌بینی تمام مسائل فرعی ندارند، اغلب همه امور جزئی را در قرارداد پیش‌بینی و ذکر نمی‌کنند و این کار ضرور هم نیست. زیرا با توافق دو طرف در امور اصلی، قرارداد ایجاد می‌شود و قانون یا عرف و عادت آن را تکمیل می‌کند. به عنوان مثال در عقد بیع: "پس از توافق

۲۳- برخی از استادان گفته‌اند: "هرگاه از اوضاع و احوال مختص به یک عقد چیزی مفهوم نشود، قصد نوعی objectif متعاقدين را ملاک عمل قرار می‌دهیم؛ مثال، موصی وصیت به ثلث می‌کند، مقصود از ثلث این نیست که از محقرات و اثاث‌الیت هم ثلث مشاع را بابت وصیت به مصرف برسانند. این موجب عسرت و زحمت ورته است مقصود نوعاً این است که از بعضی ارقام ترکه به مقدار ثلث جدا کنند، دکتر محمد جعفر جعفری لنگرودی، دانشنامه حقوقی، ج ۲، ص ۳۸۸ و ۳۸۷.

بایع و مشتری در مبیع و قیمت آن بیع به ایجاب و قبول واقع می‌شود<sup>۲۴</sup> (ماده ۳۳۹ ق.م.) و ذکر سایر مسایل از قبیل مکان تسلیم، هزینه تسلیم و نقد و نسیه بودن لازم نیست و در صورت بروز اختلاف، دادرس می‌تواند به رفع اجمال و تکمیل چنین قراردادی بپردازد. البته به منظور جلوگیری از آزادی بی‌ضابطه و خوددستی مقام تفسیرکننده و تحمیل شرایط ناخواسته به طرفین قرارداد، باید عواملی که جایگزین اراده آنان می‌شود از پیش معلوم و معین شوند تا طرفین بتوانند از آن آگاه گردند. برخی از این عوامل درونی یا داخلی هستند. بدین معنی که دادرس تلاش می‌کند با توسل به خود قرارداد، طبیعت آن و ... اراده‌ضمنی یا فرضی طرفین را بیابد<sup>(۲۴)</sup> و در واقع با جستجوی اراده آنها اجمال و ابهام قرارداد را برطرف کند. ولی چه بسا دادرس در تفسیر قرارداد به عوامل خارجی توسل می‌جوید<sup>(۲۵)</sup>، یعنی با مراجعه به مقررات تکمیلی یا عرف و عادت به رفع اجمال و ابهام می‌پردازد و به دیگر سخن قرارداد ناقص را تکمیل می‌کند.

#### ۱۴- قانون تفسیری یا تکمیلی

یکی از عواملی که در تفسیر قرارداد و رفع اجمال و ابهام از آن بکار می‌رود، مقررات قانونی است که ممکن است منظور طرفین نبوده یا حتی مغایر اراده آنان باشد. این مقررات از آنجا که ممکن است طرفین نسبت به آن جاهل باشند، عامل خارجی به شمار می‌آید. البته در توجیه تمسک به این مقررات می‌توان به فرض آگاهی طرفین یا توانایی آنان بر آگاهی از آن استناد کرد. چون آنان می‌توانستند از این مقررات مطلع گردند و در صورت تمایل برخلاف آن تراضی نمایند، ادعای جهلشان پذیرفته نمی‌شود (مستفاد از ماده ۳۵۶ ق.م.).

مطابق ماده ۲۲۰ ق.م.: «عقود نه فقط متعاملین را به اجرای آن چیزی که در آن تصریح شده است ملزم می‌نماید بلکه متعاملین به کلیه نتایجی که ... به موجب قانون از عقد حاصل می‌شود ملزم می‌باشند». این قوانین را از آن جهت که مکمل، جایگزین و مفسر اراده دو طرف قرارداد هستند، قوانین تکمیلی، تعویضی یا تفسیری نامیده‌اند. این قوانین در مقابل قوانین امری یا آمره قرار دارند که به علت ارتباط آنها با نظم عمومی یا اخلاق حسنه، تراضی برخلاف آنها باطل و بی‌اثر است مثلاً هرگاه نقد یا نسیه بودن ثمن در عقد بیع ذکر نشده باشد نقد و حال محسوب می‌شود (ماده ۳۳۴ ق.م.); مبیع باید در محلی تسلیم شود که عقد بیع در آنجا واقع شده است (ماده ۳۷۵ ق.م.); مخارج تسلیم مبیع از قبیل اجرت نقل آن به محل تسلیم، اجرت شمردن و وزن کردن برعهده بایع است و

۲۴- برای مطالعه بیشتر در عوامل داخلی ر.ک: عبدالرزاق احمد السنهوری، الوسيط، ج ۱، ش ۳۹۶، ص ۶۰۹.

۲۵- همان، ش ۳۹۷، ص ۶۱۱ به بعد.

هزینه‌های تسلیم ثمن برعهده مشتری است؛ تعمیرات و هزینه‌هایی که برای امکان انتفاع از عین مستاجر لازم است به عهده مالک است مگر اینکه خلاف آن شرط شده باشد (ماده ۴۸۶ ق.م.).

### ۱۵- تعارض مقررات تکمیلی با اراده ضمنی

قانونگذار با وضع قوانین تکمیلی راه‌حل‌های عرفی یا عادلانه را در هر قرارداد پیش‌بینی می‌کند و بدین‌سان با بیان اراده‌مفروض طرفین یا قواعدی که به نظر او سودمندتر است، دادرس را از کاوش درباره قصد مشترک دو طرف می‌رهاند. ولی، به موجب نظریه‌ای که برای اراده‌باطنی رجحان قائل است، چنانچه بتوان قصد مشترک ضمنی طرفین را به نوعی از مفاد قرارداد یا سایر اوضاع و احوال احراز نمود، این قصد همانند اراده‌صریح ارزش قانون قرارداد را دارد و بر قوانین تکمیلی مقدم خواهد بود زیرا از حیث اعتبار و تأثیر تفاوتی بین اراده‌صریح و ضمنی نیست. تنها تفاوت آنها در اثبات است؛ زیرا که اثبات اراده‌ضمنی دشوارتر است.

### ۱۶- تعارض مقررات تکمیلی با عرف و عادت

ممکن است مقررات تکمیلی یا تفسیری با عرف و عادت تعارض داشته و قاعده تکمیلی با ضابطه عرفی غیرقابل جمع باشد. در این صورت مسأله تقدم یکی بر دیگری پیش می‌آید. عرف و عادت، از آنجا که، با اراده‌طرفین سازگارتر است و اغلب اراده‌ضمنی طرفین را تشکیل می‌دهد، باید بر قوانین تکمیلی مقدم گردد، زیرا چنانکه گفتیم، اراده‌دو طرف، چه صریح باشد، چه ضمنی، بر قوانین تکمیلی مقدم است و توافق آنان برخلاف این قوانین معتبر و نافذ است. قانونگذار در موارد متعدد قانون مدنی همین راه‌حل را برگزیده است (ر.ک: مواد ۲۸۰، ۳۴۴، ۳۷۵، ۳۸۱، ۳۸۲، ۴۸۶ و ۶۷۶ ق.م.).

### ۱۷- عرف و عادت

علاوه بر قوانین تکمیلی، مقررات عرفی نیز قرارداد را تکمیل و ابهام آن را برطرف می‌سازند و: "متعارف بودن امری در عرف و عادت به طوری که عقد بدون تصریح هم منصرف آن باشد به منزله ذکر در عقد است" (ماده ۲۲۵ ق.م.). بنابراین عرف و عادت نیز<sup>(۲۶)</sup> برای طرفین الزام‌آور است (ماده ۲۲۰

۲۶- عرف و عادت در بادی امر دو واژه مترادف به نظر می‌رسند ولی از مطالعه و استقراء در ماده‌های قانون مدنی (مواد ۲۲۰، ۲۲۵، ۳۴۲، ۳۴۴، ۳۵۹، ۵۲۱ و ... ق.م.) برمی‌آید که عاداتهای شغلی و حرفه‌ای با اینکه در صورت احراز و عدم تراضی برخلاف آنها الزام آورند اما هنوز اوصاف عرف را دارا نشده‌اند.

ق.م.)

در توجیه الزامی بودن قواعد عرف و عادت برای طرفین قرارداد می‌توان گفت کسانی که قرارداد می‌بندند و برخلاف مقررات عرفی موجود تراضی نمی‌کنند به ظاهر با علم و اطلاع و به طور ضمنی آنها را می‌پذیرند و اغلب، وضع چنین است اما همیشه نمی‌توان در این زمینه به اراده‌ی ضمنی دو طرف استناد کرد. زیرا برای تحقق اراده‌ی ضمنی آگاهی طرفین از عرف لازم است، حال آنکه قانونگذار چنین شرطی را لازم ندانسته و التزام به عرف را حتی بدون آگاهی از آن مقرر داشته است (ماده ۳۵۶ ق.م.). بنابراین در این گونه موارد می‌توان به اراده‌ی مفروض طرفین استناد جست: از آنجا که طرفین می‌توانستند از قواعد عرفی آگاه باشند، فرض بر این است که آن را خواسته‌اند و از این رو ملتزم به آن می‌باشند.

#### ۱۸- تعارض عرف و عادت با اراده‌ی ضمنی

از لحاظ نظری حل تعارض عرف با اراده‌ی ضمنی منوط به شناخت مبنای اعتبار عرف است. اگر مبنای اعتبار عرف حکم قانونگذار یا اراده‌ی فرضی طرفین معامله باشد، اراده‌ی ضمنی باید بر آن مقدم شود، چه عرف و عادت مانند قوانین تکمیلی، هنگامی لازم الاجراست که طرفین برخلاف آن توافق نکرده باشند، اعم از اینکه توافق اراده، صریح باشد یا ضمنی. اما اگر مبنای اعتبار عرف اراده‌ی ضمنی باشد، ترجیح یکی از دو اراده‌ی ضمنی بر دیگری دشوار است و دادرس باید با توجه به اوضاع و احوال الفاظ و عبارات قرارداد واقعی طرفین را کشف و به آن ترتیب اثر دهد.

در حقوق ایران، از آنجا که مبنای اعتبار عرف اراده‌ی ضمنی طرفین نیست بلکه ممکن است عرف حتی بدون آگاهی آنان و به طور نوعی لازم الاجرا باشد (مستنبط از ماده ۳۵۶ ق.م.)، به نظر می‌رسد که اراده‌ی ضمنی بر آن مقدم است، مگر در موارد استثنایی که قانون عرف را مقدم شناخته باشد. (۲۷)

#### ۱۹- نقش انصاف و حسن نیت

در حقوق پاره‌ای از کشورهای خارجی متعهد را ملزم می‌دانند که قرارداد را با رعایت انصاف و حسن نیت اجرا کند. دیوان کشور فرانسه به استناد حسن نیت اظهار نظر کرده است که سیم‌کش برق

۲۷- برای این موارد استثنایی می‌توان به مواد ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹ ق.م. اشاره کرد که در آنها قانونگذار تصریح برخلاف عرف و عادت را معتبر و نافذ دانسته است لیکن از آنجا که حکم این مواد برخلاف اصل می‌باشد و تفکیک بین اراده‌ی صریح و اراده‌ی ضمنی در این موارد مبنای علمی ندارد، می‌توان گفت مقصود از صریح در آنها واضح و مسلم است و در مقابل اراده‌ی ضمنی بکار نرفته است. به عبارت روشن‌تر، هنگامی اراده‌ی طرفین بر عرف مقدم می‌شود که چنین اراده‌ی واضح و مسلم باشد، اعم از اینکه صریح یا ضمنی محسوب گردد.

باید کوتاهترین راه را برای سیم‌کشی انتخاب کند (رای مورخ ۱۹ ژانویه ۱۹۲۵) یا متصدی حمل و نقل باید با صرفه‌ترین راه برای رساندن کالا به مقصد اختیار نماید (رای مورخ ۳۱ ژانویه ۱۸۸۶). ماده ۱۱۳۵ ق.م. فرانسه انصاف را در کنار قانون و عرف از منابع تعهدات قراردادی برشمرده است. (۲۸) برخی گفته‌اند که در هر قراردادی به طور ضمنی حسن نیت طرفین وجود دارد. (۲۹) در حقوق ایران قاضی نمی‌تواند با نادیده گرفتن قصد مشترک طرفین، پا را از محدوده قرارداد فراتر بگذارد و تا آنجا که امکان دارد باید برای یافتن اراده‌ی دو طرف تلاش کند. اگر اراده‌ی صریحی نیافت (۳۰) می‌تواند به اراده‌ی ضمنی و شروط ضمنی (۳۱) استناد کند. چنانکه گفتیم، قاضی در صورت عدم امکان دسترسی به اراده‌ی صریح یا ضمنی به عرف و عادت مراجعه می‌کند و هرگاه عرف و عادت وجود نداشته باشد، با استفاده از قوانین تکمیلی به تفسیر و تکمیل قرارداد همت می‌گمارد.

در حقوق ایران به انصاف و حسن نیت به عنوان دو منبع مستقل برای تفسیر قرارداد اشاره نشده است لیکن در مقررات تکمیلی و عرف و عادت چهاره‌ای از انصاف و حسن نیت دیده می‌شود زیرا قانونگذار آنچه را مطابق انصاف و عدالت تشخیص داده به عنوان قانون تکمیلی برگزیده است (۳۲) و در شیوه و سلوک یک انسان متعارف نیز، اغلب، انصاف و حسن نیت وجود دارد. پس می‌توان گفت در حقوق ایران قاضی اصولاً حق ندارد صرفاً به استناد انصاف و حسن نیت قرارداد را تفسیر نماید و از این راه آنچه راه خود می‌خواهد و عادلانه تشخیص می‌دهد به طرفین تحمیل کند اما با عرف و عادت و قانون، به طور غیرمستقیم، به همان نتیجه می‌رسد و مقتضای عدالت و حسن نیت را در تفسیر قرارداد در نظر می‌گیرد. (۳۳)

۲۸- این ماده مورد تقلید پاره‌ای از کشورهای عربی قرار گرفته است، عبدالرزاق احمد السنهوری، الوسیط فی شرح القانون المدني، ج ۱، ش ۴۰۷ و ۴۱۳، ص ۶۲۱ به بعد؛ عبدالمجید الحکیم، الموجز فی شرح القانون المدني، ج ۱، ش ۶۲۳، ص ۳۳۶ و ۳۳۷.

29- William Mack, OP.Cit., No 25, P.53.

۳۰- ماده ۵۶۴ ق.آ.د.م. مقرر می‌دارد: "اگر در دعوایی که از قراردادی ناشی می‌شود به مفاد صریح سند و یا به قانون و آیین‌نامه متعلق به آن قرارداد معنی دیگری داده شود، حکم با قرار صادر در آن خصوص شکسته می‌شود."  
۳۱- در فقه اسلام شرط بنایی یا شرط تبائی نوعی شرط ضمنی است و از تعهدات فرعی قرارداد و الزام آور محسوب می‌شود. برخی از استادان شرط ضمنی را با شرط بنایی به طور مترادف استعمال کرده‌اند، دکتر کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، ج ۳، ش ۵۲۶، ص ۵۷.

۳۲- برخی از استادان معاصر ایران، عدل و انصاف را از منابع حقوق اسلام شمرده و در این باره گفته‌اند: "مطالبی که در حقوق فرانسه زیر عنوان «تجدیدنظر در عقد» آورده‌اند همگی از مظاهر قاعده عدل و انصاف در حقوق اسلام می‌تواند باشد... دکتر محمدجعفر جعفری لنگرودی، حقوق اسلام، کتابفروشی گنج دانش، ۱۳۵۸، ش ۲۷۰ به بعد؛ ص ۱۸۸.

۳۳- برای مطالعه بیشتر در عدل و انصاف ر.ک: همان نویسنده، ش ۲۵۷ به بعد؛ ص ۱۷۸ به بعد.